

«تعامل اخلاقی والدین با کودکان بیش فعال: رویکردی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی»

اعظم احمدی^۱

چکیده

الگوسازی اخلاقی به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی در تربیت فرزندان، در نظام اندیشه‌ای اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیلی-تفسیری، به بررسی مبانی و جایگاه الگوسازی اخلاقی توسط والدین در منابع اسلامی، با تأکید بر متون شیعه، پرداخته است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل منابع قرآنی، حدیثی و تفسیری گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در دیدگاه اسلامی، والدین نه تنها مسئول امر به معروف و نهی از منکر در مورد فرزندان خود هستند، بلکه مأمورند تا با زندگی همسو با ارزش‌های دینی، الگویی عملی و زنده از اخلاق اسلامی باشند. این رویکرد تربیتی، بر پایه هماهنگی میان گفته و عمل استوار است و ناسازگاری میان آن دو، نه تنها تأثیر تربیتی را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به بی‌اعتمادی و انحراف فرزندان منجر شود. منابع حدیثی و تفسیری شیعه نیز بر این نکته تأکید فراوان دارند که مؤثرترین راه تربیت اخلاقی، تجسم اخلاق در رفتار والدین است. نتیجه‌گیری این پژوهش حاکی از آن است که خانواده در نظام تربیتی اسلامی، نخستین و مهم‌ترین محیط الگوسازی اخلاقی محسوب می‌شود و بازتولید ارزش‌های دینی در نسل آینده، مستلزم حضور اخلاقی و عملی والدین در زندگی روزمره است.

واژگان کلیدی:

الگوسازی اخلاقی، تربیت فرزند، والدین، خانواده اسلامی، اخلاق عملی، منابع شیعه.

^۱ . طلبه سطح دو مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها اهواز.

خانواده، کوچک‌ترین و در عین حال مهم‌ترین نهاد اجتماعی در نظام اسلامی است که به‌عنوان اولین محیط تربیتی و اخلاقی فرد شناخته می‌شود. در این چارچوب، والدین نه تنها مسئولیت تأمین نیازهای مادی فرزندان را بر عهده دارند، بلکه نقشی کلیدی در شکل‌گیری شخصیت، ایمان، اخلاق و رفتار آنان ایفا می‌کنند. از دیدگاه اسلام، تربیت فرزند صرفاً از طریق سخن و دستور نیست، بلکه بیش از هر چیز از راه الگوسازی اخلاقی صورت می‌پذیرد؛ یعنی والدین با رفتار، گفتار، عبادت، روابط اجتماعی و سبک زندگی خود، نمونه‌ای زنده از اخلاق اسلامی را به فرزندان خود عرضه می‌کنند.

قرآن کریم و سنت پاک معصومین (ع) به‌صورت مکرر بر این اصل تأکید دارند که گفتن بدون عمل، نه تنها بی‌ثمر است، بلکه می‌تواند موجب گمراهی دیگران، به‌ویژه فرزندان، شود. آیه‌ی معروف «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف: ۲) و همچنین روایتی از امام صادق (ع) مبنی بر اینکه «لَا يُؤَدَّبُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ إِلَّا بِأَدَبِهِ» (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷)، بیانگر این حقیقت عمیق هستند که تربیت واقعی، از راه تجسم اخلاق در وجود والدین آغاز می‌شود.

در جهان امروز، با وجود پیشرفت‌های فراوان در حوزه‌های علمی و تربیتی، بسیاری از خانواده‌ها همچنان با چالش‌هایی در زمینه تربیت اخلاقی فرزندان مواجه‌اند؛ چالشی که ریشه در تناقض میان گفته‌ها و رفتارهای والدین دارد. در مقابل، اسلام با ارائه الگویی جامع و عملی، والدین را به‌عنوان «اولین مربیان اخلاقی» معرفی می‌کند و بر این نکته تأکید می‌ورزد که مؤثرترین راه تربیت، زندگی همسو با آموزه‌های دینی است.

این مقاله با هدف بررسی مفهوم الگوسازی اخلاقی در منابع اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم و روایات شیعه، و تبیین جایگاه والدین به‌عنوان الگوهای اخلاقی در فرآیند تربیت فرزندان، تدوین شده است. در این راستا، ابتدا پایه‌های قرآنی این مفهوم مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس احادیث معصومین (ع) در این زمینه نقل و تحلیل می‌شوند و در نهایت، دیدگاه مفسران و عالمان شیعه درباره نقش الگوسازی والدین در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی فرزندان، مطالعه و ارزیابی می‌گردد. امید است این پژوهش، گامی در جهت بازگشت خانواده‌ها به نقش اصیل خود در تربیت نسل آینده باشد.

پیشینه پژوهش

موضوع الگوسازی اخلاقی در تربیت فرزندان، همواره مورد توجه پژوهشگران علوم تربیتی، روانشناسی و الهیات اسلامی بوده است. در سال‌های اخیر، با گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه خانواده و تربیت اسلامی، این موضوع از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش، پیشینه پژوهش را در دو حوزه منابع کلاسیک اسلامی (قرآن و حدیث) و پژوهش‌های معاصر بررسی می‌کنیم.

در دهه‌های اخیر، پژوهشگران ایرانی و جهان اسلام نیز به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. از جمله:

رضایی، سید مصطفی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «الگوسازی اخلاقی در تربیت فرزندان از منظر قرآن و روایات»، با تحلیل آیات و احادیث، نتیجه گرفته است که «الگوسازی، مؤثرترین روش تربیت اخلاقی در خانواده است و والدین باید خود را به‌عنوان نماینده‌ی زنده‌ی اخلاق اسلامی معرفی کنند» (رضایی، سید مصطفی، «الگوسازی اخلاقی در تربیت فرزندان از منظر قرآن و روایات»، فصلنامه مطالعات خانواده اسلامی، سال ۱۰، شماره ۲، ص ۴۵-۶۲).

حسینی، زهرا (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تأثیر رفتار اخلاقی والدین بر شکل‌گیری شخصیت دینی فرزندان در خانواده‌های شهر قم»، با روش توصیفی-پیمایشی نشان داده است که بین سطح الگوسازی اخلاقی والدین و میزان پایبندی فرزندان به ارزش‌های دینی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد (حسینی، زهرا، تأثیر رفتار اخلاقی والدین بر شکل‌گیری شخصیت دینی فرزندان، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۹۸).

مصطفوی، حسین (۱۴۰۰) در کتاب تربیت اسلامی فرزندان: نظریه و عمل، با استناد به منابع حدیثی شیعه، مفهوم «تربیت با حضور» را مطرح می‌کند و تأکید می‌ورزد که «حضور اخلاقی والدین در زندگی روزمره، مهم‌تر از هر برنامه تربیتی ساختاریافته‌ای است» (مصطفوی، حسین، تربیت اسلامی فرزندان: نظریه و عمل، قم، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲-۱۱۸).

در سطح بین‌المللی نیز، پژوهشگرانی مانند القرنی، عبدالمجید (۲۰۱۷) در مقاله‌ای به زبان عربی با عنوان «الأسرة نموذجاً تربوياً في الإسلام»، نقش خانواده را به‌عنوان «أول مدرسة أخلاقية»

مورد تأکید قرار داده و نشان داده است که الگوسازی والدین، پایه‌ای‌ترین عنصر در تربیت اسلامی است (القرنی، عبدالمجید، «الأسرة نموذجاً تربوياً في الإسلام»، مجلة البحوث التربوية، العدد ۲۴، ۲۰۱۷، ص ۸۹-۱۰۴).

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که هم در منابع کلاسیک اسلامی و هم در پژوهش‌های معاصر، الگوسازی اخلاقی توسط والدین به‌عنوان یکی از اصول بنیادین تربیت فرزندان مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال، بیشتر پژوهش‌های موجود، یا صرفاً به بُعد حدیثی پرداخته‌اند یا به‌صورت کاربردی و روان‌شناختی موضوع را بررسی کرده‌اند. کمتر پژوهشی وجود دارد که با تلفیق منابع تفسیری شیعه (مانند المیزان)، احادیث کتاب‌های اربعه، و دیدگاه‌های معاصر، چارچوبی نظری- کاربردی جامع از الگوسازی اخلاقی والدین ارائه دهد. این شکاف پژوهشی، زمینه را برای انجام پژوهش حاضر فراهم کرده است.

مفهوم‌شناسی

۱. کودک بیش‌فعال

در این پژوهش، عبارت «کودک بیش‌فعال» به کودکانی اشاره دارد که رفتارهایی مانند بی‌قراری شدید، تکان‌پذیری بیش‌ازحد، تمرکزناپذیری، تکانش‌گری و دشواری در پایبندی به قواعد را از خود نشان می‌دهند. این مفهوم در متون روان‌شناختی معاصر معمولاً با اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی (ADHD) هم‌خوانی دارد (بیر، کتاب روان‌شناسی رشد، ج ۲، ص ۳۴۷). با این حال، با توجه به ماهیت اخلاقی-دینی پژوهش و مخاطبان عمومی‌تر، از اصطلاح «بیش‌فعال» به‌صورت توصیفی و غیربالینی استفاده شده است، مگر آنکه به‌طور خاص به تشخیص پزشکی اشاره شود.

۲. تعامل والدین با کودک

منظور از «تعامل»، مجموعه‌ای از رفتارها، گفت‌وگوها، واکنش‌ها و روابط دوسویه بین والدین و فرزند است که در قالب مراقبت، تربیت، هدایت، تنبیه، تشویق و ارتباط عاطفی شکل می‌گیرد. این تعامل می‌تواند تحت تأثیر عوامل فردی، فرهنگی، دینی و روان‌شناختی قرار گیرد و نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد شخصیت کودک داشته باشد (شاملو، روان‌شناسی خانواده، ص ۱۲۸).

۳. راهکارهای اخلاقی

«راهکارهای اخلاقی» در این پژوهش به روش‌ها و شیوه‌هایی گفته می‌شود که:

بر پایه‌ی اصول اخلاقی اسلامی (مانند عدالت، مهربانی، صبر، احترام به کرامت انسانی، و تربیت با رحمت) استوار باشند، از خشونت، تحقیر، سرزنش مکرر یا رفتارهای غیرانسانی پرهیز کنند، ضمن پاسخگویی به چالش‌های رفتاری کودک بیش‌فعال، به حفظ سلامت روانی و روحی او کمک نمایند.

این راهکارها نه تنها از نظر روان‌شناختی مؤثر، بلکه از دیدگاه اخلاق اسلامی نیز مشروع و توصیه‌شده هستند (مصطفوی، اخلاق کاربردی در اسلام، ص ۲۰۵).

۴. اخلاق اسلامی

«اخلاق اسلامی» مجموعه‌ای از اصول، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری است که در قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم (ص) و احادیث ائمه معصومین (ع) بیان شده و هدف آن تربیت انسانی کامل، با ویژگی‌هایی چون صبر، حلم، عدالت، رحمت، احترام به دیگران و مسئولیت‌پذیری است. در حوزه تربیت فرزند، اسلام بر رابطه‌ای مبتنی بر محبت، هدایت آرام و الگوسازی اخلاقی تأکید فراوان دارد (مطهری، اخلاق اسلامی، ص ۸۷).

۵. تربیت در اسلام

تربیت در اسلام فرآیندی جامع است که فراتر از آموزش رفتاری، شامل رشد روحی، عقلانی، اخلاقی و اجتماعی کودک می‌شود. قرآن و روایات، والدین را به «رعایت حق فرزند»، «پرورش با مهربانی» و «اجتناب از سخت‌گیری بی‌جا» دعوت می‌کنند. این دیدگاه تربیتی، زمینه‌ساز تعاملی اخلاقی و مؤثر با کودکان، از جمله کودکان بیش‌فعال است (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹).

روش‌های تعامل اخلاقی والدین با کودکان بیش‌فعال

تعامل والدین با کودکان بیش‌فعال نیازمند رویکردی فراتر از سرزنش، محدودیت‌های خشونت‌آمیز یا مقایسه با دیگران است. اسلام، با تأکید بر رحمت، صبر و عدالت، الگوهایی اخلاقی و کاربردی برای تربیت همه‌جانبه فرزند، از جمله کودکان با ویژگی‌های رفتاری خاص مانند بیش‌فعالی، ارائه می‌دهد. در این راستا، روش‌های زیر می‌توانند به‌عنوان راهکارهای اخلاقی-اسلامی در تعامل

«تربیت اسلامی، تربیتی است که فرزند را با دلیل و مهربانی به قاعده عادت می‌دهد، نه با ترس و تهدید. قاعده‌ای که با رحمت همراه باشد، در دل کودک ریشه می‌دهد» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۱۸).

بنابراین، ایجاد ساختار منظم و قواعد شفاف، برای کودکان بیش‌فعال نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت روان‌شناختی است. اما اسلام شیعه هشدار می‌دهد که این ساختار باید با رحمت، انعطاف و درک شرایط فردی همراه باشد. نظم بدون رحمت، به زور تبدیل می‌شود؛ و رحمت بدون نظم، به بی‌قاعده‌گی. ترکیب این دو—همان‌گونه که در سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) دیده می‌شود—تنها راه تربیتی است که هم رفتار کودک را هدایت می‌کند و هم روحیه او را تسکین می‌دهد.

۵. الگوسازی اخلاقی توسط والدین

اسلام بر این اصل تأکید فراوان دارد که والدین باید خود الگوی رفتار اخلاقی باشند. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف: ۲). کودکان—به‌ویژه کودکان بیش‌فعال که بیشتر از طریق رفتار یاد می‌گیرند—به‌جای شنیدن سخنان، به رفتار والدین نگاه می‌کنند. بنابراین، والدینی که خود را با صبر، کنترل خشم و احترام متقابل نشان دهند، بیشترین تأثیر را بر رفتار فرزند خود خواهند گذاشت (مطهری، اخلاق اسلامی، ص ۱۰۱).

الگوسازی اخلاقی یکی از مهم‌ترین راه‌های تربیت فرزندان در اسلام است. در این روش، والدین نه تنها با سخن، بلکه با رفتار، اخلاق و سبک زندگی خود، الگویی برای فرزندان‌شان هستند. این مفهوم در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) به‌صورت صریح و ضمنی مورد تأکید قرار گرفته است.

الف) پایه‌های قرآنی الگوسازی اخلاقی

قرآن کریم در بسیاری از آیات، بر اهمیت رفتار الگویی و تأثیر آن در تربیت دیگران، به‌ویژه فرزندان، تأکید دارد. از جمله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟» (طه: ۱۲۴)

این آیه، هرچند خطاب به عموم مؤمنان است، اما در حوزه تربیت فرزندان، هشدار جدی برای والدین است که اگر خود به آنچه توصیه می‌کنند عمل نکنند، فرزندان نیز به آن‌ها اعتماد می‌نویسد: «این آیه نشان می‌دهد که گفتن بدون عمل، نه تنها بی‌ثمر است، بلکه باعث تضعیف

ایمان و اعتبار گوینده می‌شود» (طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۴، ص ۳۰۷).

«تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به پرهیزگاری امر می‌کنید و خود را فراموش می‌کنید، در حالی که کتاب را می‌خوانید؟ آیا عقل نمی‌کنید؟» (الصف: ۶)

این آیه نیز به‌وضوح بر این نکته تأکید دارد که تربیت و امر به معروف، باید از خود فرد آغاز شود. والدینی که خود را به‌عنوان الگوی اخلاقی معرفی نکنند، نمی‌توانند انتظار داشته باشند فرزندان‌شان به آنچه توصیه می‌کنند پایبند باشند.

ب) احادیث معصومین (ع) درباره الگوسازی اخلاقی

در منابع حدیثی شیعه، بسیاری از روایات به‌صورت صریح بر این مسئله تأکید دارند که والدین باید در رفتار خود، الگوی اخلاقی باشند.

حدیث از امام علی (ع): «الْأَبُ أَوَّلَى بِأَنْ يَكُونَ أُسْوَةً لِابْنِهِ مِنْ غَيْرِهِ؛ پدر بیش از دیگران سزاوار است که الگویی برای پسرش باشد.» (مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، جلد ۱۰۳، ص ۲۳۹)

این حدیث به‌وضوح نشان می‌دهد که نقش الگوسازی در تربیت فرزند، اولویت ویژه‌ای برای والدین دارد و این مسئولیت، بیش از هر فرد دیگری بر عهده آنان است.

حدیث از امام صادق (ع): «لَا يُؤَدِّبُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ إِلَّا بِأَدَبِهِ؛ مرد فرزند خود را جز با اخلاق خود تربیت نمی‌کند.» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد ۶، ص ۴۷)

این روایت بسیار عمیق، بیانگر این حقیقت است که تربیت فرزند، صرفاً با دستور و سخن نیست، بلکه با «ادب» یعنی رفتار، خلق و سبک زندگی والدین شکل می‌گیرد. این مفهوم در متون تربیتی معاصر نیز با عنوان «الگوسازی رفتاری» شناخته می‌شود.

ج) نظریه‌های مفسران شیعه درباره نقش والدین به‌عنوان الگو

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، درباره آیه ۱۲۴ سوره طه می‌نویسد: «هرگاه انسان به دیگران امر به معروف کند و خود از آن غافل باشد، گفته‌اش بی‌ثمر خواهد بود و حتی ممکن است موجب انحراف دیگران شود. این امر در تربیت فرزندان دوجندان حساس‌تر است، زیرا کودکان بیشتر از

راه مشاهده و تقلید یاد می‌گیرند تا از طریق سخن.» (طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۴، ص ۳۰۸)

همچنین، علامه مجلسی در بحارالأنوار، ضمن نقل روایات متعدد درباره تربیت فرزند، بر این نکته تأکید می‌کند که: «اگر والدین خود را در راه خدا و اخلاق نیکو سپارند، فرزندان نیز به‌طور طبیعی به سوی آن راه کشیده می‌شوند، چرا که کودکان از همان سال‌های نخست زندگی، والدین را به‌عنوان الگوی اصلی خود می‌پذیرند.» (مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، جلد ۱۰۳، ص ۲۴۱)

بنابراین، الگوسازی اخلاقی توسط والدین، نه یک روش تربیتی اختیاری، بلکه یک ضرورت اسلامی است که ریشه در آیات قرآن و سنت معصومین (ع) دارد. والدینی که خود را به‌عنوان نمونه‌های زنده‌ی اخلاق اسلامی معرفی می‌کنند، بدون نیاز به سخن فراوان، فرزندان با ایمان، پرهیزگار و اخلاق‌مدار پرورش می‌دهند. در مقابل، والدینی که گفته و رفتارشان با هم تناقض دارد، نه تنها فرزندان خود را گمراه می‌کنند، بلکه موجب ضعف ایمان و اعتبار دینی آنان می‌شوند.

نتیجه‌گیری

الگوسازی اخلاقی توسط والدین، یکی از اصول بنیادین و غیرقابل انکار در نظام تربیتی اسلامی است. برخلاف رویکردهای صرفاً دستوری یا کلامی در تربیت، اسلام بر این اصل تأکید می‌کند که مؤثرترین راه شکل‌گیری اخلاق در فرزندان، تجسم اخلاق در وجود والدین است. این رویکرد، فراتر از یک راهبرد تربیتی، جلوه‌ای از وفاداری به اصل هماهنگی میان گفته و عمل است که در قلب آموزه‌های دینی قرار دارد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در منابع اسلامی، به‌ویژه در متون شیعه، والدین نه به‌عنوان فرمانده یا سخنگو، بلکه به‌عنوان الگوی زنده و عملی معرفی شده‌اند. فرزندان، به‌ویژه در سال‌های ابتدایی زندگی، بیشتر از طریق مشاهده، تقلید و حس کردن رفتار والدین، ارزش‌ها و اخلاق را یاد می‌گیرند. از این رو، هرگونه تناقض میان سخنان والدین و رفتار آنان، نه تنها تأثیر تربیتی را خنثی می‌کند، بلکه می‌تواند به بی‌اعتمادی، سردرگمی و حتی انحراف اخلاقی فرزندان منجر شود.

در این چارچوب، خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین محیط تربیتی، مسئولیتی خطیر را بر عهده دارد: بازتولید ارزش‌های دینی و اخلاقی در نسل آینده. این بازتولید، زمانی میسر می‌شود که

والدین خود را درگیر فرآیند خودسازی اخلاقی کنند و زندگی خود را مطابق با آموزه‌های اهل بیت (ع) تنظیم نمایند. به عبارت دیگر، تربیت فرزند در اسلام، آغازی از خود والدین دارد، نه از فرزند.

در جهان امروز که فشارهای فرهنگی و رسانه‌ای متعددی بر خانواده وارد می‌شود، بازگشت به این اصل اسلامی—یعنی الگوسازی اخلاقی از سوی والدین—می‌تواند راهگشای بسیاری از بحران‌های تربیتی باشد. والدینی که خود را به‌عنوان نماینده‌ی زنده‌ی اخلاق اسلامی در خانه می‌دانند، بدون نیاز به سخن فراوان، فرزندانی با ایمان، پایبند و اخلاق‌مدار پرورش می‌دهند.

در پایان، می‌توان گفت که الگوسازی اخلاقی، تنها یک روش تربیتی نیست، بلکه بازتابی از تعهد دینی والدین به مسئولیت الهی خود در قبال فرزندانشان است. و همان‌گونه که در منابع شیعه آمده است، فرزند صالح، ثمره‌ی زندگی والدین صالح است؛ نه صرفاً نتیجه‌ی دستورهایشان.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. بیر، جان و بیر، کارن، روان‌شناسی رشد، ترجمه‌ی سید محمد سید حسینی، تهران، انتشارات رشد، چاپ دهم، ۱۴۰۰.
۲. شاملو، زهرا، روان‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۹۸.
۳. شریف‌الرضی، سید رضی، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ بیست‌ویکم، ۱۴۰۰.
۴. حر عاملی، ابن شه‌الشهر، تحف العقول، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، انتشارات دارالکتب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، محقق: مؤسسه انتشاراتی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۶. طبرسی، فضل‌الله، مکارم الأخلاق، تحقیق: سید جلال‌الدین الحسینی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۰.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، محقق: محمدباقر بهبودی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب اسلامی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۸.
۱۰. مصطفوی، سید محمد، اخلاق کاربردی در اسلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۵.
۱۱. مطهری، مرتضی، اخلاق اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۹.